

مقدمه ای بر مردم‌شناسی هنر و زیبایی

● پدram خسرو نژاد

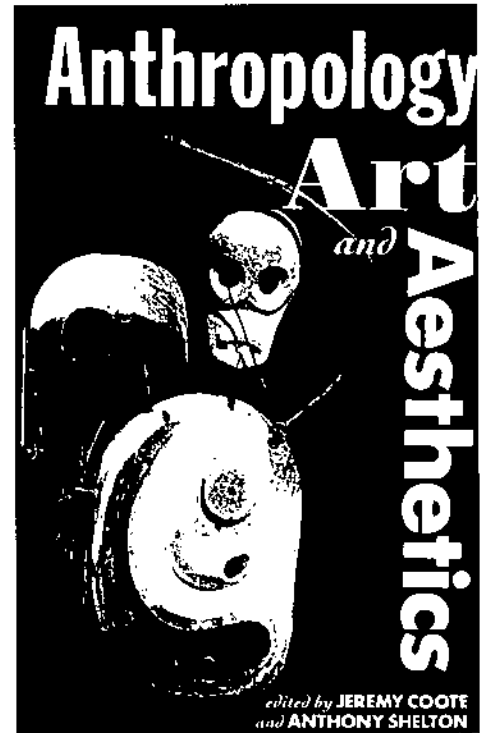
(Firth) یکی از چند مردم‌شناسی است که به تحقیق دربارهٔ تأثیرپذیری هنرمندان نوگرای زمانه خویش از هنر جوامع غیرغربی پرداخته است.

نقاشی‌ها و مجسمه‌هایی که مردم‌شناسان در جوامع بدوی با آنها روبه‌رو می‌شدند، تأثیری شگرف بر ایشان می‌نهادند و تشویق به ملاحظه و بررسی را در آنها افزون می‌کردند. این آثار نه تنها به عنوان آثاری عجیب و نامأنوس که تا به حال دیده نشده بودند بلکه به دلیل شیوه‌های اجرایی - در ساخت آنها از مهارت‌های فنی رایج و سنت‌های متداول آشنا برای ایشان چشم‌پوشی کرده بودند - مورد توجه واقع شدند. از این‌جا بود که خود اشیاء هنری^۳ به عنوان تجارب هنرمندان در سایه دریافت‌های بکر و بدیع در فروغ موهبت‌های فرهنگی و بدون توجه به کارکرد ویژه در دل فرهنگ اصلیشان مورد توجه و عنایت خاصی واقع شدند.

کشف هنرهای غیرغربی به وسیله پیکاسو^۴ (Picasso) و سایرین متقارن با زمانی شد که غرب به طور جدی به گردآوری هنرهای این جوامع روی آورده بود. همین امر یعنی کشف و گردآوری هنرهای جوامع غیرغربی مایه گمراهی و لغزشی شد که سال‌های پی‌درپی همچون سدی، از پیشرفت و توسعه و رشد مردم‌شناسی هنر جلوگیری کرد (Firth-1973/5).^۵

پس این نکته را باید به خاطر داشت، هرگاه بخواهیم از سویی پیشینهٔ تاریخی مطالعات مردم‌شناختی هنر و از دیگر سو شناخت زیبایی‌شناسی هنرهای جوامع غیرغربی را پیگیری کنیم، این دو همچون حلقه‌های به هم پیوسته یک رشته زنجیر که دارای فصل‌های مشترکی در موضوعات اصلی خود هستند، از هم جدا ناپذیر بوده و یکی بدون دیگری معنا و مفهومی نخواهد داشت.

تا به امروز برای رسیدن به شناخت از هنر جوامع غیرغربی نیرو و هزینه‌های گزافی صرف و پرداخته شده است. چاپ کتب تخصصی و برپایی نمایشگاه‌های عوام‌پسندانه همگی از این شمارند. مراکز علمی و تحقیقی نیز حرکت‌های علمی وسیعی را در این راستا به جریان انداخته‌اند. تأسیس مدرسه‌های تخصصی، نامگذاری سبک‌ها، کمک هزینه‌های پژوهشی کلان و... پس به خوبی روشن است که بررسی و تجزیه و تحلیل آثار غیرغربی، فواید فراوانی را عاید مجموعه‌داران شخصی، دلان آثار هنری و موزه‌داران می‌سازد. با این توضیحات، هنوز طرح این مسئله باقی است که مردم‌شناسی و به ویژه مردم‌شناسی هنر چه نوع



از اواخر دههٔ ۱۹۷۰ به طور کلی سه کتاب عمدهٔ انگلیسی زبان توسط اندرسون (ANDERSON, 1970) لیستون (LAYTON, 1981)^۶ و هاچر (HATCHER, 1985)^۷ دربارهٔ مردم‌شناسی هنر به جهان علم عرضه شده و نشریه‌ای تخصصی نیز در این زمینه منتشر شده است. امروزه گزارش‌ها، پژوهش‌ها و نشریه‌های فراوانی را با موضوعات متنوع دربارهٔ مردم‌شناسی هنر می‌توانیم مشاهده کنیم. حال، علت زایش جدید و گرایش به سمت این رشته از علم مردم‌شناسی، جمع‌بندی و نگاهی کلی به تمام نظریه‌ها و مکاتب نوین در این زمینه علمی را طلب می‌نماید، اما پربهارترین نکته در مردم‌شناسی هنر این است که ملاحظات جوامع غربی در قبال تولیدات جوامع دیگر (که از دیدگاه و سطوح گوناگون زیبایی‌شناختی انجام پذیرفته است) سرآغاز مطالعات مردم‌شناسانه دربارهٔ هنر نبوده است.

۳. و شه چشم و نگاه گرم جوامع غربی به کیفیات و ویژگی‌های زیبایی‌شناختی هنرهای جوامع غیرغربی با نگاه شگفت‌زده هنرمندان نوگرای^۸ همچون فووها^۱ (fauves) و کوبیست‌ها^۲ (Cubists) شکل گرفت. فیرث

با تمام پیشرفت سال‌های اخیر، مردم‌شناسی هنر امروزه نیز در ردیف موضوعات اصلی و مهم قرار نگرفته است و از درجه اهمیت پایین‌تری برخوردار است. در مطالعات مردم‌شناختی در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و حتی خویشاوندی به ندرت به نقش هنر و تأثیرات متقابل توجه می‌شود.

تعاریف و تحلیل‌هایی را در بر می‌گیرد؟

در جوامع غربی بازار بحث و جدل بین هنرمندان، مورخان هنر، منتقدان هنر، فیلسوفان و موزه‌داران دربارهٔ هنر جوامع غیر غربی همچنان داغ است، حتی گزارش‌های مهمی که آتن (Ottien 1971) ^۶ جا پلینگ (JOPLING 1971) ^۷ و گریتهایگ - میگا (GREENHAIGH - MEGAW 1978) ^۸ ثبت کرده‌اند و مصاحبه‌های ایشان با نژادشناسان، باستان‌شناسان، روان‌پزشکان، هنرمندان و مورخان هنری اگرچه دربردارندهٔ مطالب سودمندی هستند، کمک چشمگیری به مطالعات مردم‌شناختی دربارهٔ هنر نمی‌کنند. تاریخ و سیر بررسی مطالعات مردم‌شناختی دربارهٔ هنر به‌طور کلی تفکیک‌پذیر از مردم‌شناسی نیست چرا که در اصول کلی، هر دو یکسان بوده و از نظامی هماهنگ پیروی می‌کنند.

افزون بر این اشتراکات، برخی از مردم‌شناسان در مطالعات خود به هنر توجه بیشتری نشان داده‌اند و به زمینه‌های قابل توجه جدیدی از علم مردم‌شناسی در مطالعاتشان همت گمارده‌اند. برای نمونه نقد و بررسی اساطیر، نقش ویژه‌ای را در مطالعات مربوط به مردم‌شناسی هنر ایفا می‌کند.

به هر روی، مردم‌شناسی هنر در هر مقامی که بوده، به ندرت برای خود راهنمایی برگزیده و سعی نکرده است بر اساس مسیرهای رایج مردم‌شناسی حرکت‌های خود را پایه‌گذاری کند. شاید بتوان گفت که این امر تا اندازه‌ای به علت نبود تاریخ دقیق وحدت تفکر در پرسش‌های مربوط به مطالعات مردم‌شناختی هنر است و هم‌چنان از تأثیر و نفوذ آن چشمه اصلی (بررسی‌های مردم‌شناختی) چیزی دیده نمی‌شود، شاید حضور تاریخ هنر و جنبه‌های هنری صرف عامل این عقب ماندگی به شمار آیند. (Torge 1973) ^۹

با تمام پیشرفت سال‌های اخیر، مردم‌شناسی هنر امروزه نیز در ردیف موضوعات اصلی و مهم قرار نگرفته است و اهمیت کمتری دارد. در مطالعات مردم‌شناختی در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و حتی خویشاوندی به ندرت به نقش هنر و تأثیرات متقابل آن توجه می‌شود. خویشاوندی میان هنر و سایر رشته‌های مردم‌شناسی همچنان ناشناخته و در حاشیهٔ موضوعات اصلی قرار گرفته است. هنر جوامع، جدای از کارکردهای مربوط به مردم‌شناسی هنر، دارای کارکردهای بسیاری نیز در علم مردم‌شناسی هستند که تا مردم‌شناسی هنر جایگاه خاص خود را در علم مردم‌شناسی نیابد، اطلاعات و فوائد مزبور نیز قابل دسترس نمی‌باشند. به همین سبب (و نه دلیل دیگری) هنر باید در مسیر پیکان مطالعات مردم‌شناختی قرار گیرد. شاید به مرور زمان جایگاه ویژه‌ای را که بایستی دارا باشد، پیدا کند.

باید توجه داشت که در بررسی هنر جوامع انسانی نباید شیء را جدای از ساختارهای اجتماعی یا بخشی از ساختار اجتماعی در نظر گرفت. تجزیه و تحلیل‌های کارکردگرایانه یا ساختارگرایانه یا حتی هنری (artness) محض هم هیچ‌گونه کمکی به اصل جریان نمی‌کنند. اهمیت اشیا و موضوعات هنری باید از دیدگاه خود آثار، نقد و بررسی شوند، همان‌گونه که در دل جوامع

مردم‌شناسی هنر به جای تمرکز

بر روی ساختار ظاهری و نمود عینی

آثار هنری باید بر روی

کارکرد و معانی

آثار هنری در بستر بومیشان تمرکز کند.

جای بسی تأسف است که بینیم

مردم‌شناسی هنر به دلیل رشد

روزافزون کارکردگرایی در حد یک تأویل

و شرح مختصر خود را

به سطوح نازل تری حرکت دهد.

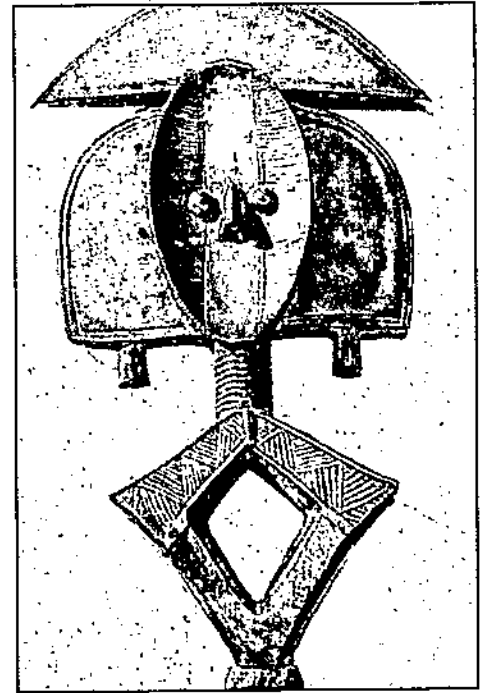


وابسته به آن قرار گرفته‌اند تجزیه و تحلیل شوند، یعنی از تمامی جوانب و زوایای گوناگون کارکردهایشان، معانیشان و شکل‌هایشان بررسی شوند.

جای بسی تأسف خواهد بود که بینیم مردم‌شناسی هنر نیز به دلیل رشد روزافزون کارکردگرایی در حد یک تأویل و شرح مختصر، خود را به سطوح نازل تری حرکت دهد. اهمیت بعضی از موضوعات جذاب و اختلاف در مباحث نظری میان موزه‌ها و مراکز علمی چیزی از ارزش واقعی مردم‌شناسی هنر کم نکرده است.

اما ژل (Gel) بر این باور است که حقایق ژرف‌تر و جامع‌تری وجود داشته‌اند که باعث ناتوانی و قصور مردم‌شناسان در توسعه بخشیدن به حقیقت و جان کلام دربارهٔ مردم‌شناسی هنر شده‌اند. وی بر این باور است جامعه‌شناسان و مردم‌شناسان دینی در گزارش‌هایشان در سطوح وسیعی به انکار وجود خدا (atheism) در این‌گونه جوامع پرداخته‌اند، بنابراین پیش از آن‌که توانسته باشیم بحثی دربارهٔ هنر را آن‌چنان که درخور جامعه‌شناسی یا مردم‌شناسی است پیش ببریم، مجبوریم از توجه و عنایت به این دسته از هنرها دست برداریم و به جرگه سبک‌گذاران کم‌عقل، بدون شناخت و بی‌معرفت به فرهنگ بیبندیم. اولین گام برای اصلاح و ایجاد اندیشه‌ای سالم در راه شناخت مردم‌شناسی هنر، قطع رابطه کامل با زیبایی‌شناسی است. همانند بسیاری از علاقه‌مندان و شیفتگان به هنر، ای بسا در این آرزو بسر ببریم که خود را در تنوع‌ها و تجربه‌های گوناگون هنری غرق کنیم، اما در نقش و قالب مردم‌شناسی باید وضعیت آرام و استواری را دربارهٔ هنر و جلوه‌های آن در خود ایجاد کنیم و فریفته ظواهر عینی آن نشویم.

مردم‌شناسی هنر به جای تمرکز بر روی ساختار



ظاهری و نمود عینی آثار هنری باید بر روی کارکرد و معانی آثار هنری در بستر بومیان تمرکز کند، زیبایی‌شناسی بر اساس سنت‌های پیشین کوشیده است که معانی و موضوعات عینی هنر را در صورت خود اشیا بارزتر نماید.

اگر در آرزوی تقویت و ایجاد بنیادهای قوی برای مردم‌شناسی هنر هستیم، باید خصوصیات ویژه موضوعات، به جای خود شیء ارزیابی شوند و این نکته‌ای است که باید در کانون تجربه‌هایمان قرارش دهیم. بر خلاف زیبایی‌شناسی که در هر حالتی با شرایطی عام، و جهان شمول سروکار دارد، مردم‌شناسی هنر بر آن است که ویژگی و خصائص منحصر به فرد فرهنگی را در مرکز فعالیت‌هایش قرار دهد.

بی‌گمان ژل در سوق دادن توجه مردم‌شناسان به این که در بررسی‌های خود باید به اشیا از دیدگاه خود اشیا نگاه کنند، به اشتباه نرفته است. به اثبات رسانیدن این مطلب که اشیا در فرهنگ‌های بومیان چگونه به کار گرفته می‌شوند، به طور حتم یکی از خصوصیات و کیفیات اصلی هرگونه مطالعه مردم‌شناختی هنر است. متن حاضر ترجمه‌ای بود از بخش‌های نخست مقدمه کتابی با نام مردم‌شناسی، هنر و زیبایی^{۱۰} به تلاش جرمی کوت (JEREMY COOTE) و آنتونی شلتون (ANTONY SHELTON) به سرپرستی هوارد مورفی (HOWARD MORPHY) و فِرِد مایرز (FRED MYERS).

در این کتاب نگارندگان مقالات بر آن بوده‌اند تا مقدمه‌ای را دربارهٔ چگونگی شروع مطالعات مردم‌شناسی هنر و زیبایی‌شناسی^{۱۱} اقوام بدوی فراهم نمایند تا بلکه کمکی به درک بهتر و روشن شدن تنوعات و محدودیت‌های این مفهوم کرده باشند.

از کنار هم قرار دادن کلیه مقالات و گزارش‌ها، سلسله نظریات فرهنگی پرباری در این زمینه فراهم می‌آید، مباحث نوینی که با دیدگاه‌های کاملاً جدیدی این گرایش خاص را تجزیه و تحلیل می‌کنند.

کلیه مقالات بر روی هنر اقوام بدوی (یا به قول کتاب حاضر Non - western Art) تمرکز یافته‌اند، از دستیافت‌ها و مصنوعات آئینی - کاربردی گرفته تا نقاشی‌های روی دیوار، چوب و بدن انسان‌ها. اگر چه مسائل مطرح شده هر یک به موضوع کاملاً خاص و مجزا و از دیدگاه پژوهشگران پرداخته‌اند، در عوض دو مقاله مطرح شده در مقدمه کتاب با تمرکز و نیت خاصی به عنوان اصلی کتاب اشاره کرده‌اند. از این دو، مقاله نخست به فصول مشترک و تمایزات میان هنر و مردم‌شناسی در ۵۰ سال گذشته پرداخته است. این مقاله نه تنها شروع حرکت‌هایی در جهت مردم‌شناسی هنر بلکه تاریخ شروع این گرایش و نظریات دربارهٔ آن تا سال‌های اخیر را نقد و بررسی کرده است. در این زمینه ژل این مسئله را مطرح می‌کند که مردم‌شناسی هنر را دگربار باید از دریچه‌ای جدید و با تفکری نوین ارزیابی کرد و اگر نظریات وی را آن دسته از مردم‌شناسانی که روی هنر مطالعه می‌کنند بپذیرند، این کتاب کمک شایان توجهی به حرکت کردن صحیح در این مسیر به خوانندگان خود ارزانی خواهد داشت.

کتاب حاضر از یک مقدمه، ۴ فصل کلی و ۱۰ تحقیق و گزارش تشکیل شده است. دو تن از محققان هوارد مورفی (HOWARD MORPHY) و روبرت لیتون (ROBERT LAYTON) به ویژه نفر اول از پیشگامان و نظریه پردازان نوین در زمینه مردم‌شناسی هنر به شمار می‌آیند که در این مسیر تلاش بسیار کرده‌اند.

چنان که پیشتر شرح آن رفت، مقدمه کتاب به قلم جرمی کوت و آنتونی شلتون نگاشته شده است و به شرح نظریات و تاریخ تحول عقاید در باب مردم‌شناسی هنر اختصاص یافته است. بخش نخست کتاب با نام «مردم‌شناسی هنر» با دو گزارش، بخش دوم با عنوان «اشیاء و تعابیر» با سه گزارش، بخش سوم تحت عنوان «سنت‌ها و بدعت‌ها» با دو گزارش و بخش چهارم با نام «مردم‌شناسی زیبایی‌ها»، با سه گزارش فصول و بخش‌های کتاب را تشکیل داده‌اند.

این کتاب با ۲۷۵ صفحه، ۳ نقشه جغرافیایی، ۷۰ تصویر سیاه و سفید و ۱۵ تصویر رنگی در کشور انگلیس به کوشش انتشارات دانشگاه آکسفورد به چاپ رسیده است. کتاب حاضر برای چهارمین بار است که به چاپ می‌رسد و چاپ آخر آن در سال ۱۹۹۶ میلادی و به قیمت ۱۷ پوند به بازار عرضه شده است.

کتاب حاضر از این دیدگاه که نظریات نوینی را در باب مردم‌شناسی هنر و زیبایی‌شناسی (به همراه پژوهش‌های میدانی محققان به عنوان روش‌های عملی این نظریات) ارائه داده است منبعی بسیار ارزشمند و در خور توجه به ویژه برای محققان و دانش پژوهان جوان کشورمان به شمار می‌آید، تا بدین وسیله با نظریات و مکاتب جدیدی در زمینه مردم‌شناسی هنر که در ایران تا به حال بدین شیوه علمی به آنها پرداخته نشده است آشنا گردند، اما باید

این نکته را نیز افزود که با تمامی این امتیازات، جوامع غربی همچنان به دنیای خارج از مرزهای جغرافیایی و فرهنگی خود با چشمی دیگر می‌نگرند و هنوز خود را محور تحول‌های نوین و شروع تمدن می‌پندارند. بکارگیری واژه‌هایی همچون جامعه غیرغربی (Non - western society)، فرهنگ غیرغربی (Non - western culture) و هنر غیرغربی (Non - western Art) همگی گواهی بر این مدعا هستند که غرب خود را در تمایزات فرهنگی و اجتماعی چیزی برتر می‌پندارد، حال این که هر یک از جوامع دارای ریشه‌های فرهنگی مستقل با تاریخی کهن هستند.

از طرف دیگر آن دسته از پژوهشگران ایرانی که برآنند تا در این زمینه فرهنگی (مردم‌شناسی هنر) پژوهش‌های جامع و کلانی را آغاز نمایند، باید با دقت نظر در فرهنگ و هنر ایران و پاره فرهنگ‌های موجود در آن، موشکافانه مباحث جدیدی را از دل این مرز و بوم استخراج و عرضه کنند تا همگان بدانند که فرهنگ غنی ایران جایگاهی بس رفیع در فرهنگ جهانی داشته و دارد.

• پا نوشته‌ها

۱- فووا - اوج فعالیت (۱۹۰۷-۱۹۰۴) نقاشان این گروه عبارت بودند از: مارکه، ولامینک، روتو، دن... برای اطلاع بیشتر درباره فووا ر. ک: فووا، ابداع رنگ ناب، رونین پاکباز، در جستجوی زبان نو، ص ۲۸-۴۲۲

۲- کویبیت: اوج فعالیت (۱۹۲۱-۱۹۰۶) نقاشان این گروه عبارت بودند از: پیکاسو، براك... برای اطلاع بیشتر درباره کویبیت، ر. ک: همان مرجع صفحه ۴۷۱.

۳- برای اطلاع بیشتر درباره اثرپذیری پیکاسو از هنر بدوی، ر. ک: دین پیکاسو به هنر آفریقایی، سیت کیفله سلاسی، مجله پیام یونسکو، شماره ۱۳۰

1- ANDERSON, RICHARD L. (1970) Art in primitive societies. Englewood cliffs NJ: prentice - Hall.

2- LAYTON/ ROBERT (1981). The Anthropology of Art. London: Granada.

3- HATCHER, EVELYN PAYNE (1985). Art as. culture: An introduction to the Anthropology of Art. Lanham, md: univ. press of America.

4- Material products

5- FIRTH, RAYMOND (1973) preface to forge (1973), pp. V-vii.

6- OTTEN, CHARLOTTEM (ed) (1971) Anthropology and Art: Reading sin cross - culture Aesthetics. Austin: univ. of texas press.

7- JOPLING, CAROL I. (ED) (1971) Art and Aesthetics in primitive societies: acritical Anthology. New York: OUTTON

8- GREEN HALGH / MICHAEL, and MEGAW, VINCENT (eds) (1978) Art in society: studies in style, culture and Aesthetics, London: duckworth.

9- FORGE, ANTHONY (ed) (1973). Primitive Art and society. London: oxford univ. press.

10- Anthropology. Art and Aesthetics.

11- Anthropology of Art, Anthropology of Aesthetics.